

(سال نو مبارک؟؟؟)

دلم تنگ است . . .
وقتی می گویم دلم تنگ است
برای زمستان تو است ،
ای نو نهال آزرده خاطر
ای همیشه نا آسوده من
دلم تنگ است
دلم تنگ است
دلم تنگ است
ببخشم اگر اکنون آسوده ام من
در خانه ی گرم راحت غنوده ام من
مرا ببخش
مرا ببخش
مرا ببخش
ای نو نهال آزرده ی من
که نزد چشمان معصومت . . .
چه شرمنده ام من
تو در سردی می لرزی ،
و من ؟
(در لعاف گرم غنوده ام من).
سال نو میشود
و سالها نو میشود
تو رنجدیده تر از پیش
و . . .
و من ؟
(در کنج اروپا آسوده ام من).
مرا ببخش
مرا ببخش
مرا ببخش
ای نو نهال رنج دیده ی من.
زندگی همش همین است.
اگر چه این دلی من حزین است.
چو نمیتوانم بتو بخشم آرامشی
مرا ببخش .

مرا ببخش.
مرا ببخش.
ای نو نهال آزرده ی من
که تو نه با لباس گرم
که تو نه با شکم سیر
و تو نه آسوده ای
ای همیشه گرسنه ی من
مرا ببخش.
مرا ببخش.
مرا ببخش.
که سخت آزرده ام من
برای دل غمگینت افسرده ام من
تو ای آفتاب فردا!
تو ای کودک زیبا!
اگر چه عشق ترا بدل پرورده ام من
تو امید بهارانی
تو شکوه زمستانی
تو فریاد هزارانی
ترا همیشه بیاد آورده ام من.
ای تو کودک افسرده من.
نزد تو چه شرمنده ام من .
آه چه شرمنده ام من!
قسم به وجدان پاک فردا
که بی اندیشه ی رهایی تو
هرگز هرگز نه غنوده ام من

سوما کاویانی ۳۴:۱۷ دقیقه آخرین شام ۲۰۱۳